

مدنی و علمی بسپاریم تا وجهه علمی تر و مستقل تری به خود بگیرد و از شبهاتی که عرض کردم کاسته شود.

این اتفاق در اکثر جشنواره‌های دنیا و از جمله در کشور ما احتمال وقوع دارد. در خارج از کشور هم اگر دقت کنید حتی در جشنواره‌های هنری می‌بینید رنگ و بوی سیاست احساس می‌شود و این مختص کشور ما نیست. ما بین سیاست‌گذاری با سیاست‌زدگی تفاوت قائل هستیم. متأسفانه بعضاً خلط مبحث می‌شود. منظور من از سیاست‌گذاری جهت‌گیری‌های جشنواره‌ها و اهدای جوایز به سمت اهداف خاص است، نه به معنای جهت‌گیری جشنواره به سمت مراکز قدرت. خواهش من این است که به این مسأله دقت شود. ما اعتقاد داریم جشنواره‌ها باید سیاسی بشود، نه سیاسی. یعنی بر مبنای یک سیاست طراحی شود. اما سیاسی شدن جشنواره موجب کم‌رونق شدن و بی‌جاهت شدن یک جایزه ملی و جشنواره‌ای بین‌المللی می‌شود. اگر واقعاً بخواهد دستخوش نظرات گروه‌های قدرت شود دچار سیاست‌زدگی است. در دنیا داریم که معمولاً متولی‌های این جشنواره‌ها مجامع علمی هستند. به‌طور خاص دبیرخانه همین جشنواره فارابی هم در یک موسسه علمی واقع شده است تا دقت نظرها و ملاحظات علمی لازم انجام بشود. باید دقت کنیم که اگر این اتفاق بیفتد نباید برای برطرف کردن مشکل سیاست‌زدگی جشنواره‌ها را به سمت این ببریم که اصولاً جشنواره‌ها هیچ هدف‌گیری ملی نداشته باشند. ممکن است بگویید این برنامه را یک انجمن علمی یا مرکز علمی برگزار کند. مثلاً می‌خواهید جایزه‌ای در صنعت برق و علوم برق و علوم مکانیک بدهید. این جشنواره زمانی جشنواره‌ای خواهد بود که صرفاً به برترین آثار علمی در آن حوزه امتیاز و جایزه می‌دهد و ما این را چیز بدی نمی‌دانیم و فکر می‌کنم جایگاه آن در همان کنفرانس‌های علمی باشد. اما زمانی که این را به صورت یک جشنواره برگزار می‌کنید در اصل به نخبگان جامعه و متخصصان جامعه علامت می‌دهید و برای آنها ایجاد علاقه می‌کنید که به سمت هدفی ملی حرکت کنند.

باز به همان سه صحبت ابتدایی من دقت کنید. اگر کارکرد جشنواره‌ها را آن چیزی بدانید که من عرض کردم، اتفاقاً باید جهت‌های حاکمیتی در جشنواره‌ها باشد. ما در جشنواره فجر می‌خواهیم که فیلمسازان ما به سمت تولید محتواها و فیلم‌های با ارزش هنری بالا و با ارزش‌های اجتماعی بالا بروند که در جهت اهداف کشور ما باشد. اصولاً همه جایزه‌های بین‌المللی همین‌طور است حتی آنهایی که ما به آنها تقد داریم نیز در جهت اهداف خود خوب حرکت می‌کنند ولی چون ما آن اهداف را قبول نداریم به آن جشنواره نقد می‌کنیم. زمانی صرفاً می‌گویید ما جشنواره‌ای درست کرده‌ایم که هنر برای هنر است. این کارکرد نیازی ایجاد نمی‌کند که جشنواره در سطح حاکمیت مطرح شود. بله گروهی علمی و انجمنی علمی می‌توانند بنشینند و حرف‌های علمی بزنند و از میان خود بهترین دستاوردهای علمی را انتخاب کنند ولی وقتی این را به الگویی برای کشور تبدیل می‌کنید و الگوسازی می‌کنید و رسانه را بر این موضوع قرار می‌دهید از اینجا به بعد می‌خواهید بر آن اساس در جامعه الگوسازی کنید لذا به دنبال این هستید که آن الگوها شما را به اهداف ملی‌تان برسانند. مرز ظریفی بین اینکه ما جشنواره‌ها را از یک سو سیاست‌زده نکنیم و از آن طرف مراقبت کنیم تا یک سری سیاست‌ها و اهداف ملی را پشتیبانی کنند، وجود دارد. جشنواره‌ها باید بین این دو تعریف شوند و از این سر بام نیفتند و این‌طور نباشد که ما جشنواره‌ها را کاملاً بدون خط تعریف کنیم و بگوییم لزومی ندارد در این جشنواره‌ها اهداف ملی تعریف شود.

آیا باید این انتظار را داشته باشیم که جشنواره فارابی به کارآمدی حوزه حکمرانی ما کمک کند؟ و با مسائلی جامعه نسبتی برقرار کند؟ به نظر می‌رسد این جشنواره در این حوزه موفق عمل نکرده است و اتفاقاً سیاست‌زده بوده است؟

من صادقانه عرض می‌کنم که ارزیابی دقیقی از عملکرد گذشته ندارم. هر چند خود من متعلق به حوزه علوم انسانی هستم. حوزه‌هایی که جشنواره فارابی تحت پوشش خود قرار داده و دو قسمت تقسیم می‌شود. یک سری از علوم انسانی که کاربردی هستند همین الان می‌توانند به حکمرانی کشور کمک کنند. مثل اقتصاد و مدیریت و... و یک سری از حوزه‌ها بیشتر جزء علوم انسانی نظری هستند که شاید ناظر بر نیازهای امروز ما نباشند و ناظر به نیازهای آینده ما هستند. بنابراین وقتی من تعبیر به نیاز می‌کنم زمانبندی نیاز را شامل بر نیاز حال و نیاز آینده می‌دانم و آنها را هم جزء علمی می‌دانم که بالاخره به کاربرد منجر می‌شوند. اما اینکه تا الان چقدر توانسته به حکمرانی کشور کمک کند، در این بخش با شما هم عقیده هستم. دستاوردها

و خروجی‌های این جشنواره‌ها را در حوزه حکمرانی کشور مشاهده نمی‌کنیم. البته تا کید می‌کنم که حرف من و مخاطب من تنها این جشنواره نیست و شاید بقیه جشنواره‌هایی که در کشور برگزار می‌شوند هم همین مشکل را دارند.

ما تا کنون جهت‌گیری خاصی را در مورد جشنواره فارابی مشاهده نکرده‌ایم. این جهت‌گیری ملی که مورد تأکید شماست، چگونه می‌تواند اتفاق بیفتد؟

سوالی که باید داشته باشیم و من جوابی قطعی برایش ندارم این است که شورای سیاست‌گذاری چقدر اسناد بالادست و سیاست‌های کلان را در ساحت جشنواره فارابی ترجمه کرده است و این را تبدیل به سیاست داخلی کرده است تا گروه‌ها تشویق شوند و آثار را به این سمت حرکت دهند و در این مسیر کار رسانه محکمی انجام شود تا محققان بدانند جهت‌گیری‌های جشنواره فارابی به چه سمتی است و کدام مکانیسم جریان‌سازی در کشور اتفاق می‌افتد. جشنواره‌ها در کشور ما فعالیت‌های پیشینی و پسینی چندانی ندارند و چون این فعالیت‌ها صورت نمی‌گیرد، لاجرم جریان‌های اتفاق نمی‌افتد. ما در حوزه علوم انسانی تا امروز جهت‌گیری و تم‌های تحقیقاتی خود را از جشنواره‌ها انتخاب نکرده‌ایم و این خود نشان می‌دهد جشنواره‌ها در تعریف مسیر تحقیقاتی و حرف‌های هیچ نقشی نداشته است بلکه بر عکس بوده و من به لحاظ علمی کار خودم را کرده‌ام و نتیجه کار خودم را می‌دهم و اگر مورد پسند و اقبال قرار گرفت جایزه‌ای می‌گیرم و در بسیاری از موارد این اتفاق نمی‌افتد و من هم دیگر پیگیر آن نیستم. در صورتی که این جشنواره‌ها می‌توانند با توجه به ارزشمند بودن و نقش آن در ساختارهای اعضای هیات علمی به قدری مفید باشند که اصولاً اعضای هیات علمی جوان دانشگاه‌ها جهت‌گیری‌های تحقیقاتی خود را بر آن اساس بگذارند، ولی صادقانه بگویم که این اتفاق نمی‌افتد و این ضعف باید برطرف و جلوگیری شود وگرنه این جشنواره‌ها صرفاً برگزاری یک رویداد و اهدای جوایز به عده‌ای است که زحمت کشیده و اثری را تولید کرده‌اند. اما فاقد دو کارکرد اولیه خود است.

شاید این اشکال به نوع دوری آثار نیز برگردد. از گذشته بیشتر روی شکل و روش کار تأکید شده است تا محتوا و موضوعی که با جامعه نسبت داشته باشد.

طبیعتاً همین‌طور است، ولی مهم‌ترین معیار برای جهت‌دهی به محققان و نخبگان یک کشور محتوا و شعاری است که جشنواره انتخاب می‌کند. شما حتی در کنفرانس‌های معمولی هم می‌بینید که می‌گویند تم اصلی این کنفرانس چیست. البته بعضاً برای افزایش پیدا کردن مقالات یک سری تم‌های فرعی را هم تعریف می‌کنند اما به تم اصلی بیشتر بها می‌دهند و سعی می‌کنند مقالاتی که انتخاب می‌کنند بیشتر از این تم باشد. اگر بخواهیم مشابه‌سازی کنیم، تم اصلی جشنواره‌های ما در عرصه علم و فناوری چیست؟ این تم جایی تعریف می‌شود؟ تعریف نمی‌شود، بنابراین عمده کاری که افراد داخل دبیرخانه انجام می‌دهند پرداختن به رویه‌ها و شکل برگزاری و نوع برگزاری و میزان جایزه و... است. از این موضوع غفلت می‌شود که بناسد کشور ما با این جشنواره به سمتی هدایت شود. ما اخیراً کتابی نوشته‌ایم که در مرحله چاپ است و آن تحلیل جوایز جشنواره‌های بین‌المللی است و

حدود ۱۰ جشنواره و جایزه معتبر بین‌المللی را بررسی کرده‌ام و در تمام این ۱۰ جایزه و ۱۰ جشنواره کاملاً مشهود است که برگزاری این جایزه و جشنواره به دنبال یک اهداف خاصی است که برای طراحی آن کاملاً تعریف شده است و به نظر ما کاملاً درست طراحی شده، اگر حتی ما آن اهداف خاص را قبول نداشتیم. از نوبل تا جشنواره‌ها و جایزه‌های بین‌المللی و جشنواره‌های منطقه‌ای همه به دنبال هدف‌گیری خاصی هستند، الا جشنواره‌های داخلی مثل خوارزمی و فارابی که هیچ جهت خاصی را نه به محققان داخلی و نه به محققان خارجی نداده‌اند. این یک واقعیت است که متأسفانه در کشور ما وجود دارد.

اساساً فضای رقابتی بین اصحاب علوم انسانی و فضای جشنواره‌ای برای شناسایی نخبگان و ایجاد گفتمان در حوزه علوم انسانی و... کفایت می‌کند؟ شاید ما نیازمند رصد و آمایشی پسینی نسبت به کل کشور و مراکز دانشگاهی و علمی باشیم، آیا در بنیاد در حوزه علوم انسانی رصدی دارید؟

ما هم اعتقاد شما را داریم دو مکانیسم وجود دارد که خاص علوم انسانی نیستند. مکانیسمی به‌عنوان مکانیسم رصد تعریف کرده‌ایم و گفته‌ایم اگر دانشجویان مستعد کشور ما علاقه‌ای پیدا نکنند که در هیچ کدام از این جشنواره‌ها شرکت کنند و خودنمایی کنند و خود را نشان بدهند، ما چه کاری بکنیم تا کشور از منافع آنها منتفع شود. لذا طرحی را با نام «رصد» از اسمال به‌طور محکم‌تری آغاز می‌کنیم. به اساتید دانشگاه‌ها اختیاری می‌دهیم تا مستعدان را شناسایی کنند و حتی اگر فرد خود به ما رجوع نکرده ما به او رجوع کنیم و سعی کنیم او را شناسایی کنیم و بعد در توانمندسازی او حرکت کنیم. این کار را در حوزه دانشجویی شروع کرده‌ایم و اسامال تقویت می‌کنیم. در حوزه دانش‌آموزی سال‌ها طرح شهاب با همین هدف بود. در طرح شهاب در شناسایی استعدادها مکانیسم جشنواره نداشته‌ایم. مکانیسم جشنواره جایزه و سپیاد و... برای گروه خاصی است ولی در طرح شهاب اصل بر این است که معلمان مدارس در سرتاسر کشور در مورد ساحت‌های مختلف استعدادی بچه‌ها فرم‌هایی را پر کنند و از بین آنها افراد از مدارس مختلف شناسایی شوند و بالا بیایند و خوشبختانه مرحله اول و دوم تمام شده و در سطح کل کشور حداقل تا پایه ششم ابتدایی استعدادهای بالقوه کشور را در ساحت علمی و ورزشی و... شناسایی کرده‌ایم. ما هم فکر می‌کنیم مکانیسم جشنواره‌ها تنها راه شناسایی و انتخاب مستعدان و نخبگان کشور نیست و باید راه‌حلی‌هایی به این صورت در کنار آن داشته باشیم.

چشم‌اندازی که در رابطه با جشنواره‌ها به خصوص جشنواره علوم انسانی می‌بینید چیست و چه برنامه‌های متجولی می‌تواند به کارآمدی این جشنواره‌ها کمک کند؟

چشم‌انداز باید توسط سازمان اصلی جشنواره‌ها مشخص شود ولی من به‌عنوان یک فرد نظر خود را اعلام می‌کنم. مقام معظم رهبری نگاهی تمدنی دارند و این نشان‌دهنده این است که ما نباید نقطه چشم‌انداز و هدف خود را جغرافیای ایران و ایرانیان قرار دهیم. حداقل این است که اگر نه در سطح بین‌المللی و جهانی بلکه در حوزه جهان اسلام جشنواره‌ای مثل جشنواره فارابی به‌عنوان اولین و معتبرترین جشنواره در حوزه علوم انسانی شناسایی شود و نخبگان حوزه جهان اسلام نسبت به ارائه آثار خود در جشنواره علاقه‌مند باشند. این از نظر چشم‌انداز بود و اما در پیشنهاد روش تحولی یک سری از امور سلبی است و باید سعی کنیم از سیاست‌زدگی جلوگیری کنیم و مکانیسم‌های انتخاب را مکانیسم‌هایی دقیق و قوی با دوری‌هایی در سطح بین‌المللی و کلاس جهانی تعریف کنیم. نکته دوم این است که سعی کنیم در سطح جهان اسلام و در سطح بین‌الملل برای این جشنواره‌ها هدف‌گذاری کنیم و بگوییم که به دنبال چه نوع سیاست‌گذاری‌ها و چه نوع هدف‌گذاری‌هایی هستیم. من شما را به جایزه مصطفی ارجاع می‌دهم که یکی از جایزه‌های حوزه بین‌المللی در کشور ماست و به‌طور خاص هدف‌گذاری می‌شود که در چه تم‌هایی کار کنیم. البته آنها بیشتر فنی و مهندسی هستند و جهان اسلام و دنیا را در این حوزه تشویق می‌کنند. چون اولویت کشور ما نانو است یکی از تم‌های نانو فناوری است. این خود نشان می‌دهد که همین نگاه سیاستی را دارند. به نظر من نقطه‌ای مهم و موثر برای جشنواره فارابی این است که براساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی جهت‌گیری‌های حوزه علوم انسانی را شناسایی کند و از صحبت‌های مقام معظم رهبری و سیاست‌های کلی نظام استفاده و آنها را به‌عنوان سیاست‌های بالادست در جشنواره فارابی اعمال کند.

مهم‌ترین معیار برای جهت‌دهی به محققان و نخبگان یک کشور محتوا و شعاری است که جشنواره انتخاب می‌کند. از نوبل تا جشنواره‌ها و جایزه‌های بین‌المللی و جشنواره‌های منطقه‌ای همه به دنبال هدف‌گیری خاصی هستند، الا جشنواره‌های داخلی مثل خوارزمی و فارابی که هیچ جهت خاصی را نه به محققان داخلی و نه به محققان خارجی نداده‌اند